

# علم اطلاعات و مفاهیم اساسی آن

نویسنده: یورلند

مترجم: نیره خداداد شهری

کارشناس ارشد مطالعات آرشیوی دانشگاه الزهراء  
و آرشیودار مرکز اسناد آستان مقدس قم  
Shahri.Lib.65@gmail.com

## درآمد

در این مقاله، برخی مسائل پیرامون علم اطلاعات (IS) یا کتابداری و علم اطلاع‌رسانی (LIS)، به عنوان یک رشته دانشگاهی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. هدف اصلی این است که تعدادی از ابعاد یا سطوح به هم وابسته را بررسی کنیم. شاید این مباحث، بدیهی به نظر برسند؛ ولی ما درصدد هستیم این مباحث را مطرح کنیم تا ضرورتشان را برای ملاحظات سیستماتیک مورد بحث قرار بدهیم. هر سطحی از بحث، در یک بخش جداگانه بررسی می‌شود:

۱. آیا LIS یک رشته دانشگاهی است؟

۲. نام‌های مختلفی که به این رشته اطلاق شده، چه چیزهایی هستند و چگونه آنها مفاهیم اساسی رشته را منعکس می‌کنند؟

۳. هدف LIS چیست؟ ما در تلاش هستیم به چه چیزی برسیم؟

۴. مفاهیم هسته و کلیدی IS چه هستند؟

۵. مهم‌ترین فرآورده‌ها و سنت‌های پژوهشی در LIS چه چیزهایی هستند؟

این مقاله، سطوح و ابعادی از تمام این مباحث به هم وابسته را به چالش می‌کشد و از سر ناسازگاری بررسی می‌نماید. بیشترین توجه، به نام‌های مختلف این رشته شده؛ زیرا تاکنون در مقاله‌ای مشابه، این مبحث به صورت سیستماتیک بررسی نشده است. سوآلی که مربوط به پارادایم است، تعدادی از آثار را که توسط تعداد زیادی از مؤلفان کنونی تألیف شده‌اند، در نظر گرفته که نیاز به بحث و بررسی بیشتری دارد.

## آیا LIS یک رشته دانشگاهی است؟

بسیار روشن است که LIS یک رشته دانشگاهی است. ما مدارس یا دپارتمان‌های LIS را با پروفیسورها، کتاب‌های درسی، برنامه‌های درسی و فعالیت‌های پژوهشی در سراسر دنیا داریم و از تعداد زیادی ژورنال‌های علمی - پژوهشی که مختص رشته ماست، برخورداریم. مقالات این ژورنال‌ها، در پایگاه‌های کتاب‌شناختی مثل LISA و نمایه استنادی علوم اجتماعی (SSCI) پایگاه آی‌اس‌آی، شاخه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی نمایه می‌شوند. نقشه‌هایی از پُرنفوذترین پژوهشگران و گرایش‌های پژوهشی در LIS، اغلب از نمایه‌های استنادی تولید می‌شوند. همچنین، تعداد زیادی کنفرانس‌های پژوهشی منظم مثل نشست‌های سالانه انجمن علم اطلاعات و فناوری آمریکا، کنفرانس‌های دوسالانه بین‌المللی انجمن سازماندهی دانش و کنفرانس‌های دو سالانه در حوزه تئوری رشته (CoLIS) داریم. همچنین، دایره‌المعارف‌هایی که دانش رشته ما را خلاصه می‌کنند، مثل سومین ویرایش

دائرة المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی که اخیر منتشر شده، موجود است. به طور خلاصه، ما همه معیارها و ملاک‌های رسمی و بیرونی که ما را به عنوان یک رشته دانشگاهی مطرح می‌کند، احراز کرده‌ایم.

با این حال، در اینکه بخواهیم ادعا کنیم LIS یک رشته دانشگاهی است، دو چالش بزرگ وجود دارد: اول اینکه LIS یک مونودیسیپلین نیست؛ بلکه رشته‌ای بینارشته‌ای است. دومین مورد که جدی‌ترین چالش است، این است که LIS، یک علم نیست؛ بلکه حرفه‌ای بر پایه آموزش بعضی از مهارت‌های کاربردی، مثل جست‌وجوی پایگاه‌های الکترونیک و سازماندهی کتاب‌ها بر اساس قواعد معینی مثل AACR است. بر طبق این دیدگاه، LIS یک علم یا رشته دانشگاهی نیست.

آیا LIS مترادف با علم اطلاعات است یا علم کتابخانه؟ آیا آنها یک رشته هستند یا دو رشته متفاوت‌اند یا اینکه چند رشته هستند؟ این‌ها حتی پیچیده‌تر هم می‌شود، وقتی بدانیم از شکل علوم اطلاعات هم گاهی اوقات استفاده می‌شود. در LIS چه چیزهایی را باید در نظر بگیریم؟ و از چه چیزهایی باید صرف نظر کنیم؟ برای مثال، پژوهش اینترنت، گاهی اوقات در ژورنال‌های علم اطلاعات، گاهی در ژورنال‌های علم کامپیوتر یا مطالعات ارتباطات و گاهی نیز در ژورنال‌هایی که اختصاص پیدا می‌کنند به مطالعات اینترنت، در میان دیگر رشته‌ها گزارش داده می‌شود. آیا این، بخشی از علم اطلاعات، علم کامپیوتر، مطالعات ارتباطات یا از همه است؟ یا اینکه خود، رشته

جدیدی است؟ چه موقعی از اسم‌های مختلف برای رشته‌های مشابه استفاده می‌کنیم؟ و چه موقع از اسم‌های مشابه برای رشته‌های مختلف استفاده می‌شود؟ چگونه می‌شود این موضوع را فهمید و مشخص کرد؟

علاوه بر این، برای تطبیق با معیارهای بیرونی و رسمی یک رشته، ابعاد دیگری وجود دارد تا یک حوزه به عنوان یک رشته دانشگاهی پذیرفته شود؛ یعنی وجود تئوری‌ها و بدنه‌ای از دانش پذیرفته‌شده مرتبط که روی نقاط ارجاع مشترک رشته بحث می‌کنند. آیا می‌توانیم بدنه دانش LIS را تعیین کنیم؟ مایکل باکلند نوشته‌ای در خصوص مقدمه‌ای بر علم اطلاعات دارد:

«ممکن است افرادی فکر کنند که برای یک رشته خیلی مهم، نوشتن یک مقدمه کلی، خیلی ساده و بی‌فایده است؛ ولی این‌گونه نیست. هر کدام از انواع مختلف نظام‌های اطلاعاتی (پایگاه‌های آنلاین، کتابخانه‌ها و...)، آثار جداگانه بسیار حجیم و بزرگی

اگر بخواهیم ادعا کنیم  
LIS یک رشته دانشگاهی  
است، با دو چالش بزرگ  
مواجهیم؛ اول اینکه LIS  
یک مونودیسیپلین نیست؛  
بلکه رشته‌ای بینارشته‌ای  
است. دومین مورد که  
جدی‌ترین چالش است،  
این است که LIS، یک  
علم نیست؛ بلکه حرفه‌ای  
بر پایه آموزش بعضی از  
مهارت‌های کاربردی است

دارند. توجهات اصولاً بر یک نوع نظام اطلاعاتی است که با فناوری محدود می‌شوند و معمولاً نظام‌های اطلاعاتی، کامپیوترمحور هستند یا بر یک عملیات، مثل بازیابی تمرکز دارند و محتوای وسیع نادیده گرفته می‌شود. چیزی که منتشر می‌شود عمدتاً تخصصی و فنی با ترمینولوژی و تعاریف بومی شده است. آثار نظری، معمولاً خیلی اخص هستند و بر منطق، احتمالات و نشان‌های فیزیکی متمرکز هستند. این بسط و گسترش علوم، با شناخت ناکافی از کلمه اطلاعات که به وسیله افراد مختلف برای نشان دادن چیزهای مختلف استفاده می‌شود، ترکیب شده است.»

مسائل فرهنگی (۱)، اغلب در مدارس LIS تدریس می‌شوند و مورد پژوهش قرار می‌گیرند. پژوهشگران در این نوع مدارس، ممکن است تنها بخشی از LIS را در نظر بگیرند؛ اما بسیاری از آنها، پژوهش‌های خود را در ژورنال‌های دیگر منتشر می‌کنند، در کنفرانس‌های غیر LIS شرکت می‌کنند و از این قبیل. به طور رسمی، ممکن است برای بسیاری از این پژوهشگران، تشکیلات بیرونی که LIS به عنوان یک رشته دانشگاهی از آن برخوردار است، مرتبط نباشند. آیا امکانی که امروزه به عنوان i-school یا مدرسه LIS شناخته می‌شوند، زمانی مدارس کتابداری نامیده می‌شدند. این نام، نشان می‌دهد که برنامه آموزشی ما بر پایه هیچ‌یک از رشته‌های علمی نبوده، بلکه بیشتر شامل انبوهی از موضوعات است؛ تا به آموزش حرفه‌ای ما مرتبط شوند. ممکن است، هنوز ترکیبی از رشته‌ها را به

جای یک رشته منسجم داشته باشیم. امکان دارد که بعضی افراد احساس کنند حتی تلاش برای تعبیر این رشته به عنوان یک رشته مستقل (۲)، فکر خوبی نیست. می‌توان گفت که گرایش مایل به مرکز (۳)، در LIS وجود ندارد تا رشته را به سمت تشکیل یک رشته مستقل و تقریباً واحد جهت دهد؛ بلکه تمایل به فرار از مرکز (۴) وجود دارد که به مطالعه مسائل این رشته در بستر و زمینه دیگر رشته‌ها مربوط می‌شود و همچنین، رشته‌ای بینارشته‌ای به جای رسیدن به وحدت و یکپارچگی ارتقا داده می‌شود.

آیا این به معنای آن است که LIS یک رشته بینارشته‌ای است؟ به میحث پویایی‌شناسی تخصص‌ها و رشته‌ها توسط تنگ استروم (۵) (۱۹۹۳) پرداخته شده که تأکید کرده پژوهش بینارشته‌ای، یک فرایند است؛ نه یک حالت (وضع) (۶) یا یک ساختار. وی میان سه سطح از هدف در باره تحقیق بینارشته‌ای تفاوت قائل می‌شود:

- سطح چندرشته‌ای (۷)؛
- سطح بینا رشته‌ای (میان رشته‌ای)؛
- سطح فرارشته‌ای.

تنگ استروم بیان می‌کند که رویکرد به رشته‌های اجتماعی، پویا و در حال تغییر است؛ برای مثال، LIS می‌تواند به عنوان رشته‌ای که به عنوان یک رشته میان رشته‌ای پا به عرصه گذاشته، بر پایه ادبیات، مطالعات فرهنگی کودکان، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت و علم کامپیوتر دیده شود که به سمت یک رشته مستقل شایسته خودش بسط پیدا می‌کند. این قضیه، چه اتفاق

بیفتد یا نه، بستگی به قدرتی دارد که مرتبط با گرایش‌های مایل به مرکز و فرار از مرکز در بازی‌های داخل رشته هستند. این مطلب، در مورد سؤال در باره انجام پژوهش در همه زمینه‌ها صدق می‌کند: توسعه LIS در یک زمینه علمی خوب یکپارچه، بستگی دارد به تعداد کافی از انسان‌های متعهد که تمایل دارند در یک سطح علمی واقعی کار کنند. مهم است که معتقد باشید که کس دیگری برای شما کار نخواهد کرد.

در بعضی مؤسسات، مثل RSLIS، هم علم اطلاعات و هم ارتباطات فرهنگی تدریس شده و مورد پژوهش قرار می‌گیرند (با برنامه‌های آموزشی مشابه). چنان‌که باکلند (۲۰۱۲) اخیراً خاطرنشان کرده، علم اطلاعات فرهنگی اصلاح‌ناپذیر (درست‌نشدنی) (۸) است و خیلی تفاوت دارد که در نظر بگیریم ارتباطات فرهنگی و LIS، دو رشته مجزا هستند و یا اینکه مطالعات فرهنگی، بخشی از LIS است. در جایگاهی که رشته LIS و ارتباطات فرهنگی، دو رشته مجزا (اما متحد در ارائه برنامه درسی مشابه) در نظر گرفته شده‌اند، برنامه آموزشی و گرایش‌های پژوهشی از یکدیگر منفک می‌شوند؛ شبیه یک چیز سرهم‌بندی شده و بی‌برنامه (۹) خطری که در اینجا پیش می‌آید، این است که دانشجویان به دنبال توسعه هویت حرفه نیستند و صلاحیت‌های حرفه‌ای در هر دو زمینه را کسب می‌کنند.

در نتیجه، بسیار مهم است که ما یک رشته بسازیم و بهترین فرآیندهای جایگزین را برای آن در نظر بگیریم. در این خصوص، انتخاب فرآیندها مهم هستند تا یک گرایش مایل به مرکز خودخواسته را در رشته ارتقا بدهند. در آخر، کرونین (۲۰۱۲) خاطر نشان کرده که «بی‌قاعدگی معرفتی (شناختی) را از ارزش‌ها می‌توان فهمید.»

#### نام رشته چه چیزی است؟

در این بخش، برآنیم تا ده کاندیدای مختلف (و

برخی نام‌های دیگر) برای نام رشته‌ای را که به عنوان LIS شناخته می‌شود، بررسی نماییم. به منظور اثبات این موضوع که این تعدد اسامی، خود یکی از سطوح چالش‌برانگیز بحث است. هدف از بیان مطالب حاضر، این است که پس‌زمینه‌ای برای فهم اختلافات نظری زیربنایی در این رشته فراهم شود. برای یک نام معین، فقط یک طراحی خنثا کافی نیست؛ بلکه به چیزهایی نیاز است که شامل ادارک قطعی رشته هستند. هدف از مطرح و بررسی کردن نام‌های مختلف، این است که بعضی از مهم‌ترین دیدگاه‌های اساسی در باره ماهیت رشته به بحث گذاشته شود. اجازه بدهید که روشن‌تر قضیه را مطرح کنیم؛ ادعا نمی‌کنیم که این ده نام، همگی مترادف هستند. این ادعا خود، مسئله‌ای بحث‌برانگیز است که بگوییم این اسامی، مترادف هستند یا نیستند. بنابراین، ما نمی‌توانیم از پیش هیچ‌کدام از آنها را حذف کنیم. این مسئله، تاریخ‌گرا نیز هست؛ زیرا تنها با داشتن دانش در باره توسعه این رشته، فهم مناسبی به وجود می‌آید تا تصمیم‌گیری در باره مفاهیم رشته در آینده با اطلاع کافی انجام شود.

#### ۱. اقتصاد کتابخانه

وقتی ملویل دیویی (۱۰)، اولین مدرسه کتابداری را در سال ۱۸۸۷م در دانشگاه کلمبیا در ایالات متحده تأسیس کرد، رشته «اقتصاد کتابخانه» نامیده شد. در اولین ویرایش رده‌بندی دهدهی دیویی (DDC) که در سال ۱۸۷۶ منتشر شد، اصطلاح «اقتصاد کتابخانه» در رده ۱۹ به کار رفت. در دومین ویرایش (و تمامی ویرایش‌های بعدی)، این اصطلاح به رده ۰۲۰ منتقل شد.



اصطلاح «اقتصاد کتابخانه»، تا ویرایش چهاردهم (۱۹۴۲) استفاده شد. در ویرایش پانزدهم (۱۹۵۱)، رده ۰۲۰ به «علم کتابخانه» تغییر نام پیدا کرد. از ویرایش هجدهم (۱۹۷۱)، برای نشان دادن این رشته، از نام کتابداری و علم اطلاع‌رسانی استفاده شد. اقتصاد کتابخانه هنوز در فرانسه و ایتالیا استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد که اصطلاح اقتصاد کتابخانه، نشان‌دهنده دیدگاهی به مسائل و فعالیت‌های LIS است که بیشتر بر جنبه‌های عملی، مدیریتی و استانداردها به جای استفاده از دیدگاه نظری و علمی تأکید می‌کند.

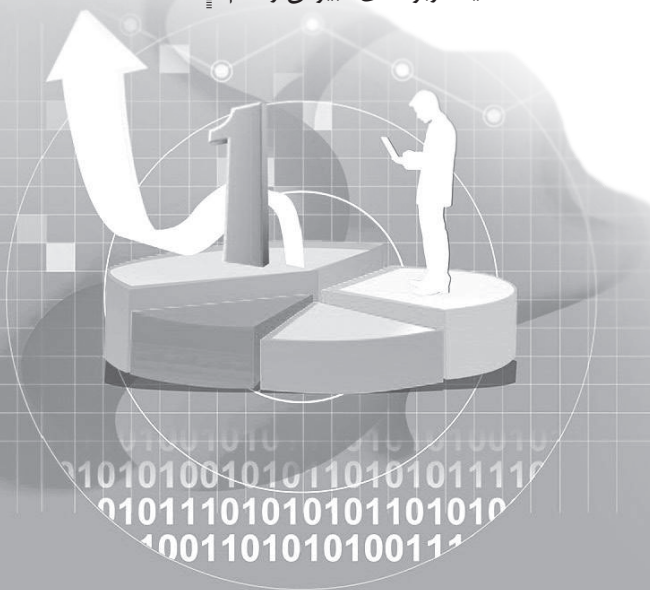
## ۲. علم کتابخانه

اصطلاح علم کتابخانه، اولین بار در آلمان استفاده شد؛ جایی که اولین کتاب درسی این رشته بین سال‌های ۱۸۰۷ تا ۱۸۲۹م به وسیله مارتین اش‌ریتنگر (۱۱) منتشر شد. وی علم کتابخانه را شامل «همه قواعدی که برای سازماندهی کاربردی (عملی) کتابخانه نیاز بود، به شرط اینکه آن‌ها بر پایه اصول درست و ساده به یک قاعده عالی تبدیل شوند...» می‌دانست؛ برای مثال، یک کتابخانه باید به گونه‌ای چیده شود که با حداکثر سرعت، خدمات‌دهی صورت گیرد. کتاب اش‌ریتنگر، یک رساله سیستماتیک برای قواعد کتابخانه

است. با این حال، وکری (۱۲) (۱۹۹۴) نوشته که «ماهیت عملی کتاب اش‌ریتنگر برای گفتن حداقل‌ها، قابل بحث است (اگر علم به عنوان یک بدنه سیستماتیک دانش فهم شود، با روش علمی و با در نظر گرفتن تئوری‌های اصلی شکل می‌گیرد). آن اثر، حرفه‌ای بود؛ ولی علمی نبود.» وکری، توسعه علم کتابخانه را به عنوان یک علم در دقیق‌ترین مفهوم آن مربوط به زمانی می‌داند که گریسل (۱۳) (۱۹۰۲) دستنامه‌ای در حوزه کتابداری منتشر کرد. طرح علم کتابخانه، همچنین به وسیله پیرس باتلر (۱۴) استفاده شده که اولین کسی بود که از مدرسه کتابداری دانشگاه شیکاگو فارغ التحصیل شد و اولین کسی بود که در ایالات متحده در مدرسه کتابداری دکتری گرفت. وی مبحثی با عنوان «مقدمه‌ای بر علم کتابخانه» را تألیف کرد.

بنابراین، علم کتابخانه، عنوانی قدیمی برای رشته‌ای است که ما امروزه به عنوان LIS می‌شناسیم. این عنوان، یک مشکل دارد و آن اینکه مسائل اصلی (هسته) وابسته به توسعه خدمات کتابخانه، مختص به کتابخانه‌ها نیست؛ بلکه ممکن است قواعد مشترک با دیگر انواع نظام‌های اطلاعاتی، خدمات اطلاعات یا کاربردهای دبیزش را هم

در برگیرد؛ برای مثال، نمایه‌سازی و بازنمایی مدارک در رکوردهای کتاب‌شناختی، مختص کتابداری نیست. در واقع، بیشتر قواعد مرتبطی که امروزه استفاده می‌شود، در مجامع کتابداری توسعه پیدا نکرده؛ بلکه هم در مورد مسائل مدیریتی و هم در مورد مسائل فنی، قواعد بیشتر توسط مجامع دیگری از جمله متخصصان کامپیوتر مطرح شده‌اند. مثل نظام‌های سازماندهی دانش که اغلب به وسیله متخصصان موضوعی، توسعه پیدا کرده است. شایستگی اصلی کتابداران، این است که آن‌ها دانش کتاب‌شناختی را در اختیار دارند؛ به عبارت دیگر، هنوز میان سؤالات پژوهش با کتابخانه، پیوند وجود دارد (مثل تاریخ کتابداری، مدیریت کتابخانه و نقش‌های اجتماعی کتابخانه‌ها) که ممکن است به وسیله مفاهیم اطلاعات، دبیزش و یا عناوین دیگر پوشش داده نشود. این موضوع،



ممکن است دلیلی باشد بر اینکه چرا هنوز عنوان LIS توسط بعضی‌ها ترجیح داده می‌شود. مخالفت اصلی با اصطلاح «علم کتابخانه» می‌تواند این گونه بیان شود: «وقتی نام رشته، علم کتابخانه باشد، مثل این است که به رشته پزشکی بگوییم، علم بیمارستان. پزشکی، مطالعات سلامت، بیماری و درمان آن‌هاست و نه مطالعات بیمارستان. LIS هم مطالعه اطلاعات و تأمین منابع است و نه علم کتابخانه‌ها.»

### ۳. کتاب‌شناسی

اصطلاح کتاب‌شناسی هم برای نوعی از مدرک (document) و هم یک رشته آموزشی استفاده می‌شود. کتاب‌شناسی، به عنوان یک مدرک، به عنوان اثری که فقط شامل ارجاع به دیگر آثار است، توصیف می‌شود. رشته کتاب‌شناسی، شامل مطالعه کتاب‌شناسی‌ها و تکنیک‌هایی برای تألیف و تدوین کتاب‌شناسی‌ها، پایگاه داده‌های کتاب‌شناسی، کتاب‌سنجی (کتاب‌شناسی آماری) و همچنین مسائل مرتبط با ارتباطات علمی و مطالعه متون و تاریخ کتاب است. استفاده از نام کتاب‌شناسی برای نامیدن رشته‌ای که امروزه به عنوان LIS شناخته می‌شود، ما رو به قرن قبل باز می‌گرداند؛ برای مثال، پاول اتلت (۱۵)، نهاد بین‌المللی کتاب‌شناسی (۱۶) را در سال ۱۸۹۵ تأسیس کرد و در سال ۱۹۰۳ برای تعریف مجدد آن در علم کتاب‌شناسی تلاش می‌شود. آلن پولارد (۱۷) و اس.سی. بردفورد (۱۸)، کسانی که شدیداً تحت تأثیر دیدگاه‌های کتاب‌شناسی اتلت بودند. انجمن بریتانیایی، کتاب‌شناسی بین‌المللی

را در سال ۱۹۲۷ تأسیس کرد. دپارتمان کتاب‌شناسی در سال ۱۹۴۴ در دانشگاه تارتو در استونی تأسیس شد. بعدها مؤسسه به دپارتمان کتابداری تغییر نام داد و در سال ۱۹۹۳ به دپارتمان مطالعات اطلاعات در دانشگاه تالین تغییر نام یافت. یک توسعه مشابه در آفریقای جنوبی اتفاق افتاد که عنوان دپارتمان کتابداری و کتاب‌شناسی به دپارتمان علم کتابخانه، تغییر نام پیدا کرد.

مشاهده کردیم که کتاب‌شناسی به عنوان یک نام برای رشته‌ای که بعدها LIS نامگذاری شد، استفاده می‌شده است و این تغییر اصطلاح‌شناسانه با بعضی آرا و نظرات همراه بوده که ادعا شد پارادایم کتاب‌شناسانه، قدیمی و کهنه است. یورلند (۲۰۰۷)، دفاعیه‌ای را برای مدل کتاب‌شناسی مطرح کرده که به نظر می‌رسد، استدلال منطقی برای انکار کتاب‌شناسی وجود ندارد؛ هنگامی که این مفهوم، یکی از مفاهیم اساسی رشته است. آنچه بیشتر مایه تأسف است، این است که با کنار گذاشتن (یا به عبارتی ناچیز شمردن) مفهوم کتاب‌شناسی، غفلتی از سوی کتابداران برای توصیف منابع اطلاعاتی و مدارک برای کاربران اتفاق می‌افتد.

برای مثال، در سال ۱۹۸۶ انجمن کتابداری آمریکا، یک راهنما برای آثار علوم اجتماعی منتشر کرد که تاکنون به‌روزرسانی نشده است. این امر، حاکی از آن است که متأسفانه، فقدان توجه به کتاب‌شناسی به صورت عمومی و کلی به وجود آمده است.

### ۴. مستندسازی (دبیزش)

رشته دبیزش (علم مستندسازی یا مطالعات مستندسازی)، با نهضت تأسیس‌شده توسط اتلت و بردفورد همراه بود. به اتلت به عنوان سرشناس‌ترین کتاب‌شناس توجه شده است. ریوارد (۱۹۹۴) گفته: «اصطلاح دبیزش، یک نواژه است که به وسیله اتلت ابداع شد؛ برای توصیف رشته‌ای که امروزه ما تمایل داریم به عنوان ذخیره و بازیابی اطلاعات

نامگذاری کنیم. در حقیقت، این ادعا خیلی بی‌مورد نیست، اگر بگوییم «دبیزش» (۱۹)، یکی از اولین کتاب‌های درسی علم اطلاعات است. ارتباط میان کتابداری و دبیزش، در ادامه توضیح داده شده:

تفاوت‌های اصلی میان علم کتابخانه و دبیزش، به صورت نادرست در حوزه کتاب‌شناسی شناسایی شده و منشأ نامگذاری دبیزش است. دقیقاً تفاوت‌های میان متخصص دبیزش جدید و کتابداران سنتی، در حال حاضر خوب تبیین و تعریف نشده است. با این حال، موافقت‌های عمومی وجود دارد که متخصص دبیزش فقط به رسیدگی فیزیکی به آثار و منابع علاقه نشان نمی‌دهد؛ بلکه در سطح بسیار وسیع‌تر از کتابداران سنتی، محتوای اطلاعاتی آثار را تشریح می‌کند و توضیح می‌دهد. این رشته کاربردی، مولد برخی از تئوری‌های خود بوده که یک مثال قابل توجه در این باره، قانون scattering بردفورد است.

وقتی پایگاه داده‌های الکترونیک در دهه ۱۹۶۰ و ۷۰ میلادی در حال عمومی شدن بودند، جست‌وجوها به وسیله رابط (واسطه) انجام می‌شد که اشاره به کتابداران محقق، مختصان اطلاعات یا مختصان دبیزش دارد. رابط (واسطه) آنلاین آخرین شغل عملگرا، شامل دبیزش در ارتباط با کار اطلاعات است؛ برای مثال، کتابخانه‌های پژوهشی (تخصصی) دانمارک، دپارتمان‌های دبیزش را تا تقریباً سال ۱۹۹۰ داشتند. با ظهور ابزارهایی که جست‌وجو توسط کاربر نهایی انجام می‌شد، دیگر این عملیات در بسیاری از نهادهای پژوهشی کوچک شمرده

شد و استفاده از اصطلاح دبیزش، تقریباً به طور کامل ناپدید شد.

اصطلاح دبیزش به طور کامل از حیطه علم اطلاعات حذف شد؛ به طور ویژه، یکی از این موارد، تغییر نام مؤسسه دبیزش آمریکا (که در سال ۱۹۳۷ تأسیس شده) به ASIS است که در سال ۱۹۶۸ صورت گرفت. با اینکه گرایش عمومی این بود که علم اطلاعات جایگزین دبیزش شود، اما در جوامع انگلیسی‌زبان یک گروه کوچک از پژوهشگران رشد کردند که استدلال می‌نمودند اصطلاح دبیزش، باید به عنوان توصیفی برای رشته ترجیح داده شود (اطلاعات بیشتر، در بخش بعدی). در سال ۱۹۹۷م، دانشگاه ترومسو در نروژ تصمیم گرفت که از اصطلاح علم دبیزش، برای برنامه آموزشی خود استفاده کند. بنابراین، برای احیای این اصطلاح، تلاش کردند. برخی از مزایای اصطلاح دبیزش، این است که (هم به صورت تاریخی و هم به صورت منطقی) با اصطلاح کتاب‌شناسی که در بخش قبلی بحث شد، مرتبط می‌شود و اینکه دبیزش بر جنبه‌های ارتباطات علمی تأکید دارد و نسبتاً از بیشتر جنبه‌های فنی، علم کامپیوتر و فناوری اطلاعات متفاوت است. بنابراین، دبیزش هم برای تمرکز خاص بر LIS جامع است و هم نگرشی برای ارتباط بیشتر با علم تاریخ و تعیین اهداف رشته را فراهم می‌کند.

#### ۵. فناوری اطلاعات و فناوری اطلاعات و ارتباطات (۲۰)

علم اطلاعات، گاهی اوقات با فناوری اطلاعات و رشته کامپیوتر اشتباه می‌شود و توسط بعضی از مردم به عنوان اینکه در درجه اول در

باره فناوری اطلاعات و کامپیوترهاست، دیده می‌شود. یک شاهد این مدعا، آن است که در سال ۲۰۰۰ انجمن آمریکایی علم اطلاعات تصمیم گرفت عبارت «و فناوری» را به عنوان خود اضافه کند. دیگر اینکه گرایش به ادغام دپارتمان‌های LIS با دپارتمان‌های کامپیوتر وجود دارد. گواه سوم اینکه یک گرایش (subfield) مهم رشته با عنوان بازبازی اطلاعات توسط انجمن کامپیوتر متولد شده است.

امروزه، اصطلاح فناوری اطلاعات، اغلب به عنوان رسانه‌ای برای ضبط دانش و منابع کتابخانه‌ها استفاده می‌شود؛ برای مثال، امروزه اختراع ماشین چاپ توسط گوتنبرگ در سال ۱۴۵۰م غالباً به عنوان تاریخ فناوری اطلاعات ذکر می‌شود. اما مهم است که در نظر بگیریم فناوری اطلاعات دلالت بر شیوه خاص مفهوم رسانه و کتابخانه‌ها دارد؛ مفهومی که ممکن است برای کتابخانه‌های خودکار مفید باشد؛ اما برای فهم کیفیت، عملکردهای متن‌گرا برای پشتیبانی از آموزش، پژوهش و توسعه فرهنگی، سخت و غامض باشد.

امروزه، گرایشی وجود دارد که فناوری اطلاعات را به عنوان یک رشته مستقل از علم کامپیوتر در نظر بگیرد. انتشار ژورنال‌های تخصصی و برنامه‌های آموزشی متفاوت، نشان‌دهنده این تمایل است. ژورنال فناوری اطلاعات و بنیان‌آی‌تی دانشگاه کپنهاگ در سال ۲۰۰۳م، مثال‌هایی از این مورد است.

نگرش‌های متفاوتی در باره ارتباط میان LIS و IT وجود دارد. بعضی پژوهشگران، LIS را به عنوان بخشی از رشته فناوری اطلاعات در نظر می‌گیرند که برای مثال، باچمن (۲۱) (۱۹۹۳) با این دیدگاه، خیلی مخالف است و به آن انتقاد دارد. نگرش خود من، این است که این ارتباط عجیب میان LIS (یا IS) با IT، رشته ما را از بعضی مفاهیم هسته خود محروم کرده است و باعث بحران هویتی

برای رشته ما شده است. همان‌طور که وارنر (۲۲) (۲۰۱۰) ذکر کرده، آثار جاری در حوزه بازبازی اطلاعات، اغلب از دیدگاه‌های مسلط رشته علم اطلاعات مشتق (منتج) شده است. وارنر (۲۰۰۰) و فیمنان (۲۳) (۱۹۹۹) تأکید دارند که فناوری اطلاعات، نباید فقط به عنوان عاملی برای توسعه دیده شود؛ بلکه آن شکل معین و کارکردی برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است.

#### ۶. آی.اس؛ مطالعات اطلاعات، علم اطلاعات و فناوری

انجمن آمریکایی علم اطلاعات و فناوری (ASIST)، امروزه یکی از تأثیرگذارترین سازمان‌ها در حوزه علم اطلاعات است. همان‌طور که در بخش پیش از این ذکر شد، این مؤسسه از عنوان «مؤسسه دبیزش» آمریکا در سال ۱۹۶۸ به نام انجمن آمریکایی علم اطلاعات تغییر نام داد. سیر تحول نام این سازمان حرفه‌ای و پُرنفوذ، بازنمونی از حقیقت توسعه یافتن علم اطلاعات از دبیزش است. در سالی که انجمن تغییر نام داد، در ژورنال انجمن مقاله‌ای به وسیله یکی از متخصصان برجسته اطلاعات منتشر شد؛ تحت عنوان «علم اطلاعات: چیست؟» که در آن، رشته به این صورت تعریف شده بود:

«آی.اس، رشته‌ای است که خصوصیات و رفتار اطلاعات، نیروی حکومت بر گردش اطلاعات و معنای پردازش اطلاعات، برای دسترسی و استفاده بهینه از اطلاعات را مورد مطالعه قرار می‌دهد.»

این رشته، پیرامون دانش مرتبط با تولید، گردآوری، سازماندهی،



ذخیره‌سازی، بازیابی، تفسیر، انتقال، تبدیل و استفاده از اطلاعات است. این رشته، شامل مطالعه بازنمایی اطلاعات در نظام‌های طبیعی (نهادی) و نیز نظام‌های مصنوعی (ساختگی) است و استفاده از کدهایی برای انتقال پیام‌های مناسب و مطالعه ابزارهای پردازش اطلاعات و تکنیک‌هایی مثل برنامه‌نویسی را شامل می‌شود. علمی میان‌رشته‌ای است که با رشته‌هایی مثل: ریاضیات، منطق، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، فناوری کامپیوتر، پژوهش عملکرد، هنر گرافیک، ارتباطات، علم کتابخانه، مدیریت و دیگر رشته‌های مشابه، مرتبط است. این علم، هم عناصر نظری علم را بدون در نظر گرفتن کاربرد بررسی می‌کند و هم دارای عنصر عملی برای توسعه خدمات و محصولات است.

این تعریف، اخیراً به وسیله کاپورو و یورلند نقد شده:

«از دیدگاه ما، این تعریف، شامل شناسایی دقیق از علم اطلاعات نیست. هیچ علمی نباید به وسیله ابزارهاش تعریف شود. فرض می‌شود که همه رشته‌ها، مناسب‌ترین ابزارهای در دسترس را مورد استفاده قرار می‌دهند. یک علم باید به وسیله موضوعات مورد مطالعه‌اش تعریف شود؛ به عنوان مثال، بررسی اطلاعات در این حوزه، یکی از اولویت‌هاست. اگر چه ما نیاز داریم از اطلاعات تعریف تخصصی داشته باشیم؛ یعنی در ارتباط با: تولید، گردآوری، سازماندهی، تفسیر، ذخیره‌سازی، بازیابی، اشاعه، تبدیل و استفاده از اطلاعات جهت متمایز کردن فعالیت‌هایی که دیگر حرفه‌ها صلاحیت بیشتری برای آن

دارند. از نظر ما، حرفه‌مندان اطلاعات، معمولاً

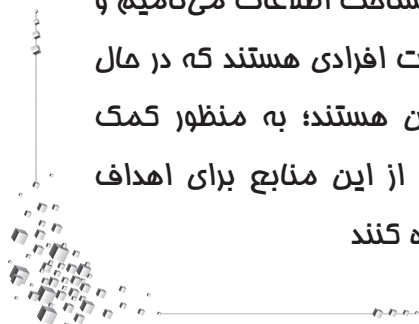
دیدگاه وسیعی از منابع اطلاعاتی، طرح جامعه‌شناسانه در تولید دانش و انواع مدارک دارند. آنها همچنین، باید دانش گسترده‌ای از فلسفه علم (پارادایم‌ها و معرفت‌شناسی) و از قواعد استفاده زبان برای اهداف خاص داشته باشند. ما معتقدیم که تمرکز حرفه‌مندان اطلاعات (جهت تمایز از دیگر گروه‌های حرفه‌ای که خدمت‌رسانی می‌کنند) بر دیدگاه

معرفت‌شناسانه و جامعه‌شناسانه، بر تولید، جمع‌آوری، سازماندهی، تفسیر، ذخیره‌سازی، بازیابی، اشاعه، تبدیل و استفاده از اطلاعات دلالت دارد. متخصصان اطلاعات، باید در یک محیط از بالا به پایین کار کنند؛ یعنی از یک فیلد کلی دانش و یا منابع اطلاعاتی به سمت خاص و جزئی حرکت کنند؛ درحالی که متخصصان دانش باید در یک محیط از پایین به بالا و از سمت حوزه خاص، به سوی حوزه

ذکر شده:

«نهادینه شدن علم اطلاعات، به عنوان یک رشته به صورت از هم گسسته رخ داده و تعداد متخصصان شاغل آن، کم است. علم کامپیوتر و مهندسی، به جذب تئوری و موضوعات فناوری‌گرا تمایل دارند و علم مدیریت، به جذب موضوعات نظام‌های اطلاعاتی گرایش دارد. صدها انجمن حرفه‌ای است که با

منابع اطلاعاتی به صورت فیزیکی در کتابخانه‌ها، آرشیوها و موزه‌ها نگهداری می‌شوند؛ هرچند به طور فزاینده‌ای در فرم دیجیتال ارائه می‌شوند که دسترسی به آنها گاهی اوقات رایگان است و گاهی نیز با پرداخت هزینه همراه است. ما همه اینها را بوم شناخت اطلاعات می‌نامیم و متخصصان اطلاعات افرادی هستند که در مال مطالعه این جهان هستند؛ به منظور کمک کردن به مردم تا از این منابع برای اهداف علمی فوید استفاده کنند



رشته‌های اطلاعات محور مرتبطانند که یک فروم فراهم می‌کنند تا افراد بتوانند در باره پردازش اطلاعات، تبادل آرا داشته باشند.»

گاهی اوقات شکل جمع «علوم اطلاعات» به جای شکل مفرد استفاده می‌شود که معنای واژه IS را پیچیده‌تر می‌کند.

گهگاه، مؤلفی هم از شکل مفرد و هم از شکل جمع این اصطلاح، بدون روشن ساختن تفاوت آن‌ها، استفاده می‌کند. مثل لاپ و منسفیلد (۲۵) (۱۹۸۳) پیشنهاد دادند که وقتی باید از علوم اطلاعات صحبت شود که وضعیتی مشابه علوم اجتماعی باشد. چه تعداد علم اطلاعات داریم (اگر داریم)؟ در عین حال، اختلاف دیگری بر سر عنوان «مطالعات اطلاعات» (۲۶) هست که آن هم به صورت گسترده کاربرد دارد.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در سال ۲۰۰۰ انجمن آمریکایی علم اطلاعات تصمیم می‌گیرد که عبارت «و فناوری» را به اسم خود اضافه کند. این تغییر نام، در مجله انجمن هم رخ داد. این تصمیم جهت تغییر نام، به وسیله رئیس انجمن، گارفیلد (۲۷) گرفته شد؛ اگرچه هیچ بحثی از دلایل منطقی برای آن در پیشینه پژوهش وجود نداشت. این تصمیم، عجیب به نظر می‌رسد؛ پایه نظری برای بیشتر پژوهش‌های این رشته، به ضروریات فناورانه سوق داده نمی‌شود؛ برای مثال، به طور خاص، کتاب‌سنجی خود گارفیلد، به وسیله ضروریات فناورانه هدایت نمی‌شود؛ بلکه به جای آن از شناخت کتاب‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات علوم و معرفت‌شناسی بهره می‌برند.

احتمالاً این تصمیم برای انطباق اسم جدید صرفاً تلاشی جهت گرفتن اعضای جدید برای انجمن بوده؛ به جای اینکه انگیزش علمی عمیق‌تری داشته باشد. با این حال، علم اطلاعات (آن چیزی که انجمن تعریف کرده)، اساساً در باره تحولات در IT مثل مباحث فنی ذخیره‌سازی و زبان‌های برنامه‌نویسی نیست.

امروزه، اصطلاح «علم اطلاعات» به خوبی تثبیت شده و باید حفظ شود؛ اعتراض‌ها و مخالفت‌های تئوریکال، ممکن است از تلفیق آن با دیگر اصطلاحات مثل دبیزش، سرچشمه بگیرد.

#### ۷. علم انفورماتیک

انفورماتیک (۲۸)، اصطلاحی گرده‌برداری شده از واژه‌های Informatik آلمانی (۱۹۵۷)، informatique فرانسه (۱۹۶۲) و informatika روسی (۱۹۶۶) است.

احتمال دارد که اسم‌های آلمانی، فرانسه و روسی، مستقل از یکدیگر ساخته شده باشند. این سه اسم خارجی (بیگانه)، در اصل از نظر معنایی متفاوت بودند؛ واژه آلمانی، در اصل به معنای پردازش خودکار اطلاعات است. واژه فرانسه، در کل شاخه‌ای از مطالعات مرتبط با پردازش اطلاعات است؛ (اگر چه به طور ویژه به معنای پردازش خودکار اطلاعات است) و واژه روسی، نظریه در باره اطلاعات علمی است. اخیراً این اصطلاح، جهت دلالت بر رشته آکادمیک که در انگلیسی علم کامپیوتر نامیده شده، استفاده می‌شود.

اصطلاح علم انفورماتیک، گاهی اوقات به صورت مترادف با علم اطلاعات استفاده می‌گردد؛ برای مثال، این مورد در تعریف وردنت (۲۹) آمده: علم اطلاعات، علم انفورماتیک، پردازش اطلاعات و آی.پی (علمی که با جمع، دستکاری، ذخیره، بازیابی و طبقه‌بندی رکوردهای اطلاعاتی مرتبط هستند).

مفهوم روسی واژه، نقشی را در LIS ایفا

می‌کند. فدراسیون بین‌المللی اطلاعات و دبیزش (FID)، تعریف ذیل را مطرح کرده: انفورماتیک، رشته‌ای از علم است که بررسی ساختار و ویژگی‌های (نه الزاماً محتوا) اطلاعات علمی، همچنین، فعالیت بر روی اطلاعات علمی، تئوری‌ها، تاریخ، روش‌شناسی و سازماندهی آن را بر عهده دارد.

دائرة‌المعارف بین‌المللی کتابداری و علوم اطلاع‌رسانی، هم شامل یک مقاله در باره انفورماتیک و هم یک مقاله در باره علم اطلاعات است؛ اما اینکه در دائرة‌المعارف نویسندگان این کلمات را مترادف در نظر گرفته‌اند یا نه، ابهام وجود دارد. گاهی اوقات، انفورماتیک به عنوان یک اصطلاح اعم که هم علم کامپیوتر و هم LIS را دربرمی‌گیرد، استفاده می‌شود؛ اگرچه ویلسون (۳۰) (۱۹۷۲) پیشنهاد داده که اصطلاح انفورماتیک، باید به علم اطلاعات ترجیح داده شود. اصطلاح انفورماتیک، به طور کلی، در معانی خاص‌تری برای آی.تی و علم کامپیوتر استفاده می‌شود و نسبت به LIS، نیازی نیست برای مستشکار کردن اصطلاح، از ترکیبات اضافی مانند انفورماتیک اجتماعی و انفورماتیک پزشکی استفاده شود.

#### ۸. ال‌آی‌اس؛ کتابداری و علم

##### اطلاع‌رسانی

اصطلاح LIS (همچنین کتابداری و علوم اطلاع‌رسانی، و مطالعات کتابداری و اطلاع‌رسانی)، تلفیقی از علم کتابخانه و علم اطلاعات است. این رشته، وابسته به مدارس LIS است که عموماً در طی نیمه دوم قرن بیستم، از مدارس حرفه‌ای به مؤسسات دانشگاهی پژوهش‌محور



توسعه یافته‌اند. در نیمه دوم دهه ۱۹۶۰م. مدارس کتابداری شروع به اضافه کردن واژه «علم اطلاعات» به نام‌های خود کردند. اولین مدرسه در سال ۱۹۶۴م، در دانشگاه پیتسبورگ این کار را انجام داد. مدارس بیشتری در طول دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی، این روند را دنبال کردند و در آخر در دهه ۱۹۹۰م، تقریباً تمام مدارس کتابداری در ایالات متحده جزء «علم اطلاعات» را به نام‌های خود اضافه کرده بودند. تحولی مشابه با این قضیه، در کشورهای دیگر دنیا نیز رخ داد؛ برای مثال، در ۱۹۹۷م مدرسه کتابداری سلطنتی در کپنهاگ، نسخه انگلیسی نام خود را به RSLIS تغییر داد؛ به طور کلی، افزایش رو به رشد تأکید بر برنامه‌های الکترونیک جدید و فناوری کامپیوتر، علت این تغییر نام بود. امروزه، اصطلاح علم اطلاعات و LIS گاهی مترادف در نظر گرفته می‌شوند و گاهی در معنای متفاوت و مجزا به کار می‌روند. در هر دو مورد، واژه اطلاعات باید دلالت داشته باشد بر چیزی گسترده‌تر از کتابخانه‌ها؛ این اصطلاح، باید شامل مطالعه آرشیوها، موزه‌ها، پایگاه‌های کتاب‌شناختی و اینترنت باشد.



### ۹. مدیریت اطلاعات، مدیریت دانش، علم اطلاعات و نظام‌های اطلاعاتی

#### \* مدیریت اطلاعات

اصطلاح مدیریت اطلاعات، به علت استفاده فزاینده، در طی بیست سال اخیر وارد شده است. یکی از دلایل تمایل به سوی مدیریت اطلاعات، این است که مهم‌ترین مدرسه مطالعات اطلاع‌رسانی و کتابداری در دانشگاه ایالت کالیفرنیا، برکلی، نام خود را در سال ۱۹۹۵ به «مدرسه مدیریت اطلاعات و نظام‌ها» تغییر داد.

از همه این حرف‌ها گذشته، تحقیقی در حوزه مدیریت اطلاعات توسط مسیویست و ویلسون انجام شده که در ادامه آمده است: در دهه ۱۹۸۰، مدیریت اطلاعات در حال پیدایش بود و صرفاً به وسیله کتابداری سنتی درک شده بود. این روند، ادامه پیدا کرد و مدیریت اطلاعات رشد نمود و چیزهای زیادی هست که نه تنها حذف نشده، بلکه شامل علم اطلاعات مدرن است. به هر حال، مدیریت اطلاعات، ایده‌ها را هم از کتابداری و هم از علم اطلاعات بیرون کشیده است؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت مباحث اطلاعات، تقریباً شبیه مسائل سازمان‌هاست. در این صورت، به شکل دیگری احتمالاً در آینده ادامه پیدا می‌کند. نوع حل مسائل تغییر کرده؛ اما فهم

این مسائل، باعث توسعه راه‌حل‌ها می‌شود.

ویلسون در برنامه درسی دیگری در باب این موضوع اضافه کرد:

مدیریت اطلاعات، یا یک مبحث گذراست یا یک شیوه جدید که نقش اطلاعات را در عملکرد سازمانی در نظر می‌گیرد و مجبور است در انتظار آزمایش زمان باشد؛ هرچند تردید کمی وجود دارد که این مفهوم تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر تفکر آثار حرفه‌ای در حوزه‌های متنوعی داشته باشد. مدیران خدمات کامپیوتر، به مدیران اطلاعات تبدیل می‌شوند (و حتی سرپرست خدمات مدیریت اطلاعات)، مدیران رکوردها، آرشیویست‌ها، متخصصان اطلاعات، کتابداران متخصص (تخصصی) و عناوین شغلی‌شان تغییر کرده و در گرایش‌های حرفه‌ای هم تغییر روی داده است.

مدیریت اطلاعات، واژه مبهمی است. بخشی از مشکلات، ناشی از عدم تعریف واحد و منسجم است که معانی متفاوتی برای یک اصطلاح ارائه می‌شود و اغلب در عمل جدا نیستند. مدیریت اطلاعات، ممکن است معانی ذیل را داشته باشد:

۱. فرایندی مثل نمایه‌سازی (مدیریت اطلاعات به صورت مستقیم و بی‌واسطه)؛ ژورنال ذخیره و بازیابی اطلاعات که عنوان‌اش در سال ۱۹۷۵ به مدیریت و پردازش اطلاعات تغییر کرد، ژورنال هسته در علم اطلاعات با کاربرد اطلاعات در معنای اول است؛ با توجه به اینکه این اصطلاح، صرفاً مترادفی برای بازیابی و سازماندهی اطلاعات است.

۲. فرایند خدمات مدیریت اطلاعات (مدیریت کتابخانه، مدیریت یک تیم

نمایه‌ساز): به عبارت دیگر، مدیریت غیرمستقیم اطلاعات که به طور سنتی زمینه‌های مرتبط با LIS را مانند کتابخانه‌ها و پایگاه‌های کتاب‌شناسی در نظر می‌گیرد.

۳. مدیریت اطلاعات در سازمان‌ها، علم اطلاعات تجاری (بیشتر حوزه غیردولتی و منابع غیرکتابی)، سنت‌های رشته LIS را در کاربردهای جدید و شاید بیشتر مرتبط با مطالعات تجارت و مدیریت بسط داده است. شیلابور، عضو هیئت علمی دپارتمان مطالعات اطلاعات دانشگاه شفیلد، بیان کرده که در دانشگاه‌های بریتانیا در سطوح کارشناسی ارشد تمایل از تغییر عناوین و برنامه‌های درسی از IS به IM وجود دارد:

«در نام برنامه درسی، احتمالاً IM در اوج است. با نگاهی به عناوین برنامه‌های درسی مقطع کارشناسی ارشد، این موضوع کاملاً مشخص و واضح است. مهندسی: علوم اطلاعات و الکترونیک، تنها کورسی است (از بین ۷۴) که IS در آن ذکر شده است. هیچ‌کدام از کورس‌های دیگر، از این عبارت استفاده نکرده‌اند. در عنوان ۳۸ کورس است. در عناوین ۱۸ کورس، کلمه IM studies آمده است؛ مثل مطالعات اطلاعات، مطالعات کتابداری و اطلاعات. ۵۶ کورس مدیریت اطلاعات یا مطالعات اطلاعات را ذکر کرده‌اند که ۴۵ کورس، عناوین دو قسمتی دارند؛ با موضوعی که آشکارا خارج از رشته است؛ مثل مطالعات تجاری و مدیریت اطلاعات.»

وبر این‌گونه استدلال می‌کند که این تمایل به تغییر عناوین برنامه‌های درسی، با گرایش‌ها و امواج اجتماعی

پیوند دارد. اصطلاح «مدیریت»، بسیار محبوب است؛ درحالی‌که واژه «علم»، کمتر برای دانشجویان جذاب است. علاوه بر این، او سؤالی مطرح می‌کند: کتابداری و مدیریت اطلاعات، آیا یک اسم جدید برای رشته IS است؟ آیا رشته‌ای کاملاً متفاوت است؟ و یا صرفاً یک اصطلاح جدید برای رشته‌ای قدیمی است که مزایای مدیریتی به آن افزوده است؟

آلستیر بلک، یک مورخ اطلاعات سرشناس حوزه انگلیسی‌زبان، عنوان کرده که آموزش کتابداری در انگلیس، در میان دیگر رشته‌ها تحت فشار است. او اظهار می‌کند که IM، یک رشته بدون تاریخ است.

هنوز آموزش کتابداری، به طور قطع، در بریتانیا تحت فشار پیدایش رشته‌های جدید مثل: مدیریت اطلاعات، نظام‌های اطلاعاتی و مدیریت دانش است؛ درحالی‌که رشته‌های متنوع زیادی مثل مدیریت و پزشکی و همچنین حوزه اطلاعات، دبیزش، کتاب‌شناسی، علم اطلاعات و کتابداری، همگی دارای بدنه دانش تاریخی هستند که با آنها پیوند خورده است؛ ولی رشته مدیریت اطلاعات، فاقد این بدنه دانش تاریخی است.



### \* مدیریت دانش

ویلسون، واژه KM را این گونه تشریح می‌کند:

این واژه تا سال ۱۹۸۶ وجود نداشته و بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۶ مباحث خیلی کمی پیرامون آن در هر سال وجود داشته؛ اما از سال ۱۹۹۷ تاکنون، خیلی پرترف‌دار بوده و رشد کرده؛ اما در تاریخ ۲۰۰۲ ادعا می‌شود که نرخ رشد آن، به‌وضوح کم شده است.

نتیجه‌گیری قطعی از این تجزیه و تحلیل از تفکر کی.ام این است که در ابعاد بزرگ و وسیع، یک موج مدیریت، عمدتاً توسط کمپانی‌های مشاوره اعلام شد و این احتمال هست که آن امواج، مثل امواج قبلی دور خواهند شد.

مدیریت دانش، بر دو پایه تکیه زده: «مدیریت اطلاعات» که بخش بزرگی از امواج موجود است (و در جایی که برای پدیده جست‌وجو و بازاریابی جایگزین پیدا می‌شود) و «مدیریت اثربخش عملیات کاری». با این حال، اخیراً این عملیات تحت تأثیر تفکر اتوییپای فرهنگ سازمانی قرار دارد که مزایای تبادل اطلاعات، بین همه به اشتراک گذاشته می‌شود؛ جایی که افراد استقلال عمل را در توسعه تخصص خود به دست می‌آورند و گروه‌ها در سازمان می‌توانند نشان دهند که تخصص آنان چگونه استفاده خواهد شد. مسویست و ویلسون اعلام کردند که استفاده از لیبیل کی.ام، بر پایه یک انگیزه کوچک است:

در حال حاضر، فشارهای بسیاری وجود دارد بر اینکه مدیریت اطلاعات در کی.ام گنجانده شود. اگرچه ما معتقدیم

آی.ام پایه نظری محکم‌تری نسبت به کی.ام دارد و اینکه جدیداً به سادگی یک برچسب طراحی می‌شود؛ شبیه برچسب‌های دیگر، برای اهداف قابل عرضه جهت تأثیر قرار دادن مصرف‌کننده کمپانی‌های مشاوره برای اینکه این فکر را القا کنند که چیزهای جدید و مهمی هستند. شاید ما بتوانیم این مبحث را بازبینی کنیم. در آینده مشخص می‌شود که ما درست می‌گوییم.

**\* نظام‌های اطلاعاتی**

نظام‌های اطلاعاتی در ویکی پدیا به عنوان مطالعه مکمل شبکه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تعریف شده که مردم و سازمان‌ها برای گردآوری، فیلتر، پردازش، ایجاد و توزیع داده استفاده می‌کنند. ایس و همکاران (۱۹۹۹) و مونارچ (۲۰۰۰) ارتباط میان علم اطلاعات و نظام‌های اطلاعاتی را به عنوان یک مورد از موضوعات مرتبط، اما رشته‌هایی مجزا، مورد مطالعه قرار دادند. علاوه بر این، نظام‌های اطلاعات غالباً به عنوان یک رشته جداگانه تلقی می‌شود؛ هرچند برای مثال، کتابخانه‌ها و پایگاه‌های کتاب‌شناسی، یک نوع از نظام‌های اطلاعاتی هستند. ما همچنین، خاطر نشان می‌کنیم که بالکند (۱۹۹۱) یک کتاب خیلی معروف در حوزه علم اطلاعات تحت عنوان «اطلاعات و نظام‌های اطلاعاتی» دارد. در نتیجه، جای تاسف دارد که نظام‌های اطلاعاتی به عنوان یک رشته متفاوت (جداگانه) در نظر گرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری کلی این بخش، آن است که آی.ام و کی.ام و نظام‌های اطلاعات، گاهی اوقات به عنوان یک مترادف جدید و مد روز برای علم اطلاعات استفاده می‌شوند؛ هرچند

آنها گاهی اوقات استفاده می‌شوند برای نامیدن رشته‌های جدید نوظهور خارج از رشته. تقریباً هیچ دیدگاه تئوری و مفهومی مفصلی که بتواند استفاده از این برچسب‌ها را به عنوان مترادفات ال.آی.اس یا به عنوان نام‌هایی برای رشته‌های جداگانه جدید تأیید کند، وجود ندارد.

**\* علم اطلاعات IS**

یک رشته میان‌رشته‌ای جدید که حدود سال ۱۹۹۸ جهت ارتقای مطالعه فرآیندهای اطلاع‌رسانی در مقابل یک مجموعه متفاوت و متنوع از رشته‌های آکادمیک شامل: نظام‌های مدیریت اطلاعات، آموزش، تجارت، فناوری ساختارنیافته، علم کامپیوتر، ارتباطات، روان‌شناسی، فلسفه، علم کتابخانه، علم اطلاعات و خیلی چیزهای دیگر وارد شد. علم اطلاعات توسط مؤسسه علم اطلاع‌رسانی در ژورنال علم اطلاع‌رسانی معرفی شد. ال.آی.اس یک رشته بین رشته‌ای با مرزهای شدیداً باز به نظر می‌رسد که هنوز انگیزه‌ای برای توسعه چیزهای دیگر ندارد.

این طور به نظر می‌رسد که چنانچه گاهگاه رشته‌های جدید مطرح می‌شوند، فقط به این خاطر است که ادعای نوظهور بودن و بدیع بودن دارند؛ بدون ارتباط با رشته‌های تثبیت شده کنونی.

ای.ال.ام: آرشیوها، کتابخانه‌ها و موزه‌ها (در میان دیگر مؤسسات) مؤسسات حافظه نامیده می‌شوند؛ درحالی که علم کتابخانه، علم آرشیوی و موزه‌شناسی به عنوان رشته‌های جداگانه مطرح هستند، در بسیاری از کشورها (سوئد) گرایش‌هایی جهت یکپارچه کردن آنها وجود دارد. برای مثال، دپارتمان ای.ال.ام در سال ۲۰۰۰ در دانشگاه آپ‌سالا در سوئد تأسیس شده است. انگیزه یکپارچه کردن این رشته‌ها، ممکن است با گرایش عمومی به سمت یکپارچه نمودن رسانه برای همه انواع مؤسسات حافظه مرتبط باشد که از اینترنت و دیگر رسانه‌های دیجیتال بهره‌برداری می‌کنند.

اگرچه «اطلاعات» و اسناد (دبیزش) در این عنوان گنجانده نشده، ولی ابعاد بااهمیت حوزه‌هایی مثل پایگاه‌های کتاب‌شناسی است که به نظر می‌رسد از هدف جا افتاده است.

گرایش یا فیلد تخصصی مثل: کتاب‌سنجی، ارتباطات علمی، کتاب‌شناسی، پژوهش در اینترنت، سواد اطلاعاتی و بسیاری از تحقیقات هم‌سطح دیگر (فیلدهایی که واقعاً در دپارتمان ای.ال.ام آپ‌سالا آموزش داده می‌شود)، به وسیله اصطلاح ای.ال.ام پوشش داده نمی‌شوند.

می‌توانیم استدلال کنیم که وارد کردن اصطلاح دبیزش و اطلاعات در نام یک رشته به طور ضمنی، فقط شامل کتابخانه‌ها نمی‌شود؛ بلکه همچنین انواع دیگری از مؤسسات حافظه را شامل می‌شود. بنابراین، نیازی به فهرست کردن این مؤسسات، به طور صریح در نام نیست؛ اما علایق علمی در مؤسسات حافظه ممکن است کاملاً دلایل استراتژی خوب برای ترجیح دادن لیبل ای.ال.ام را دارا باشد.

۱۰. نام رشته چه باید باشد یا بشود؟ ما الآن یک طرح پیچیده‌ای از نام‌ها دیدیم که در فیلدی که ما به آن علاقه‌مند هستیم، کاربرد دارند. امیدوارم که خواننده به این نتیجه برسد که مباحث پیرامون نامگذاری رشته ما، زیاد و پیچیده هستند و اینکه ما باید برای به دست آوردن سطح بالاتری از شفافیت در ارتباط با اسم رشته، تلاش کنیم. چه چیزی ذیل نام گنجانده می‌شود و در رشته‌های





متخصصان اطلاعات است یا نه؟  
یورلند (۲۰۱۲) اساساً هدف LIS را به این صورت توصیف می‌کند: «کمک به مردم جهت یافتن کتاب‌ها، مقالات، تصاویر، موسیقی و منابع اطلاعاتی که به آنها نیاز یا علاقه دارند که آنها را بخوانند و تجربه کنند. متخصصان اطلاعات کمک می‌کنند به دانش‌آموزان، متخصصان، عموم مردم و هرکس دیگری جهت یافتن مدارکی که به آنها برای انجام تکالیف، نوشتن مقاله، رساله و... نیاز دارند.

منابع اطلاعاتی به صورت فیزیکی در کتابخانه‌ها، آرشیوها و موزه‌ها نگهداری می‌شوند؛ هرچند به طور فزاینده‌ای در فرم دیجیتال ارائه می‌شوند که دسترسی به آنها گاهی اوقات رایگان است و گاهی نیز با پرداخت هزینه همراه است. ما همه اینها را بوم شناخت اطلاعات می‌نامیم و متخصصان اطلاعات افرادی هستند که در حال مطالعه این جهان هستند؛ به منظور کمک کردن به مردم تا از این منابع برای اهداف علمی خود استفاده کنند. اگرچه بیشتر اطلاعات به صورت دیجیتال در دسترس است، مطالعات اطلاعات، همانند مطالعات کامپیوتر، فناوری اطلاعات و ارتباطات نیست. LIS در باره تولید دانش در جامعه است و اینکه چگونه این دانش در مدارک (شامل فرم دیجیتال) نمود پیدا می‌کند. چگونه این سازماندهی می‌شود و چگونه این مدارک به منظور خدمات‌دهی به افراد در گروه‌های مختلف برچسب‌گذاری و مدیریت می‌شود. LIS در باره این است که گوگل و ویکی پدیا، چه کاری می‌توانند برای شما

دست می‌آید و چیزهایی از دست می‌رود. در کل، ساختارهای سازمانی متفاوت به جداسازی فیلدهای مرتبط گرایش دارند.

#### هدف رشته، چه چیزی است؟

افراد ممکن است دیدگاه‌های مختلفی به آنچه در LIS در حال انجام است، داشته باشند. برای مثال، پژوهشگرانی علاقه‌مند به HCI هستند که ممکن است با هدف طراحی و ارزیابی ابزارهای الکترونیک (GPS)، در این تحقیقات همکاری کنند که اینها به سوی سازماندهی دانش گرایش دارند و به دنبال خلق ابزارهایی مثل تزاروس‌ها و طرح‌های رده‌بندی هستند تا کمک کنند به ساخت اطلاعاتی که تا حد امکان به راحتی بازایی شود. اینها همه تحلیل‌هایی نیست که بین مفاهیم مختلف رشته پیوند ایجاد می‌کند. از طرف دیگر، همه مسائلی نیست که پژوهشگران LIS برای حل آنها تلاش می‌کنند. بیشتر اوقات، مشخص کردن اینکه یک مقاله علمی یا یک کورس (برنامه درسی) مطابق با اهداف است، بسیار سخت است؛ هرچند گاهی ممکن است که اهداف ضمنی استنباط شوند. مسئله این است که آیا یک توافق بین اهداف ضمنی ما و انواع فعالیت‌های پژوهشی و تدریس ما به عنوان

دیگر (اما مرتبط)، چه چیزی باید در نظر گرفته شود. چگونه ما می‌توانیم مشخص کنیم که ظاهراً رشته‌های مختلف باید بخشی از ال.ای.اس در نظر گرفته شوند؟

مطالعات کتاب‌سنجی، ممکن است نشان دهد که یک برچسب معین برای یک رشته همیشه استفاده می‌شود؛ اما مطالعه اینکه برچسب‌های مختلف فرضیات تئوری مشابه را پوشش می‌دهند، ضروری است. مفاهیم علمی، شامل برچسب‌هایی برای رشته‌هاست تا از لحاظ ظاهری و نظری، ایجاد انگیزه نمایند. آنها نباید جهت جذب دانشجویان یا مؤسسات سرمایه‌گذاری، صرفاً مفاهیم جدید ابداع کنند که بر پایه دیدگاه تئوریکال نیست. رشته‌ها و دانش‌هایشان باید بر پایه استدلال‌های قوی باشند. وقتی فردی از اصطلاح مبهم اطلاعات (هم به معنای بیت و پیام‌های دارای معنا) یا مدیریت اطلاعات استفاده می‌کند (هم به معنای نمایه‌سازی و هم به معنای مدیریت کتابخانه)، چیزهایی به

انجام دهند و چه کاری نمی‌توانند انجام دهند. LIS در باره این است که چگونه دسترسی به اطلاعات را بهبود بخشیم؛ هم در بُعد ارتقای بازیابی کامپیوتر پایه و هم در بُعد اشکال خدمات اطلاعاتی که توسط متخصصان اطلاعات فراهم می‌شود. این‌گونه خدمات اطلاعاتی شامل آموزش سواد اطلاعاتی به دانش‌آموزان و کمک به متخصصان است.

راه دیگر برای توصیف تفاوت بین LIS و علم کامپیوتر، این است که بگوییم در درجه اول برای این رشته‌ها تعامل بین انسان و کامپیوتر، یک موضوع اساسی است. در LIS مسئله، تعامل بین انسان و بوم شناخت کامل اطلاعات است. این، یک اختلاف بسیار مهم بین این دو رشته است؛ هرچند می‌توانیم بگوییم کامپیوتر، یک رشته هم‌جوار با LIS است.

در نتیجه، تمرکز منحصر به فرد LIS در ارتباط با دیگر رشته‌ها این است که مطالعه اکولوژی اطلاعات به منظور تسهیل این کاربردها برای رسیدن به اهداف تخصصی بسیاری است. در ادامه، گفته شده که LIS یک حوزه عمل‌گرا (پراگماتیک) است که دانش و اطلاعات را برای یک هدف مورد مطالعه قرار می‌دهد (هدف چیست؟ تا پشتیبانی کند از بهبود بخشیدن به زندگی انسان‌ها و چیزهایی در جهان را اصلاح کند). البته همه دیدگاه‌های LIS به این خوبی در خدمت این هدف پیشنهادی نیستند.

نویسنده فعلی این مقاله (یورلند)، بحثی را مطرح کرده که دیدگاه «تحلیل حوزه» را بهترین جایگزین برای این هدف معرفی کرده است.

### مفاهیم هسته و کلیدی IS چه هستند؟

در چهارمین فصل از یک کتاب درسی مقدماتی برای علم اطلاعات، باودن و رابینسون (۲۰۱۲) بحثی را در باره مفاهیم اساسی علم اطلاعات مطرح کردند که از آن میان شامل: اطلاعات، دانش، مدارک، مجموعه‌ها، ربط، کاربران و کاربرد اطلاعات است.

مفاهیم ذیل در آن فهرست نبود:

- حوزه؛

- نشانه، زبان، زبان ویژه؛

- مؤسسات حافظه‌ای (کتابخانه، موزه، آرشیو، سرورهای پایگاه‌های داده)؛

- ارتباطات، رسانه، ژانر، ادبیات؛

- مفاهیم، نظام‌های مفهومی، رده‌بندی‌ها، تئوری‌ها و پارادایم‌ها.

این فهرست، کامل و جامع نیست و از بعضی مفاهیم ناآشنا غفلت شده است؛ برای مثال، باودن و رابینسون (۲۰۱۲)، یک فصل را به تحلیل حوزه اختصاص داده‌اند؛ اما به مفهوم حوزه به عنوان یک اصطلاح پایه‌ای نپرداخته‌اند. من تمایل دارم این دیدگاه پذیرفته شود که مفاهیم پایه LIS به پارادایم‌هایی که در رشته در نظر می‌گیریم، متکی باشند. مفاهیم پایه، معین نیستند؛ حتی خود کلمه اطلاعات هم از میان مفاهیم اساسی مشخص و معلوم نیست و مبهم است.

باکلند (۱۹۹۱)، یورلند (۲۰۰۰) لوند (۲۰۰۴) اروم (۲۰۰۷) و دیگران بحث کردند که مفهوم

document، یکی از موثرترین مفاهیم اساسی در LIS در نظر گرفته شده است. document تعریف شده به عنوان: «هر نشان (علامت) سمبولیک یا عینی (ملموس و مادی) حفظ‌شده یا ذخیره (ضبط) شده، برای بازسازی یا برای نشان دادن یک پدیده ذهنی یا عینی».

فرنر (۲۰۰۴) استدلال کرده که همه مسائلی که ما نیاز داریم در مطالعات اطلاعات در نظر بگیریم، می‌تواند بدون کمک گرفتن از مفهوم اطلاعات باشد. او پیشنهاد می‌کند که اطلاعات، به عنوان ربطی که در حال حاضر پُربارترین دیدگاه برای مطالعات تئوریکال (نظری) اطلاعات است، شناسایی شود.

### مهم‌ترین فرایندها و سنت‌های پژوهشی در LIS چه چیزهایی هستند؟

در LIS نظریه‌ها، فرایندها، دیدگاه‌ها، پارادایم‌ها و سنت‌های پژوهشی متفاوتی موجود است. این وضعیت، خیلی پُرهج و مرج است و به دست آوردن یک دید کلی واضح و روشن از چشم‌انداز نظری رشته، به عنوان یک کل، سخت است؛ حتی تعریف و فهم چنین اصطلاحاتی، مثل: تئوری، متاتئوری و پارادایم، وظیفه سختی است؛ نه فقط در ارتباط با LIS، بلکه در ارتباط با همه رشته‌ها. بیتس (۲۰۰۵)، یک پیمایش مفید مقدماتی را بر روی چنین مفاهیمی انجام داده؛ اما بیشتر از اینها نیاز به پژوهش در این زمینه است.

فیشر و همکاران (۲۰۰۵)، مختصراً تئوری‌های رفتار اطلاعاتی را به صورت ارائه‌های کوتاه از ۷۲ تئوری



در رشته ما تهیه کردند؛ اما آیا همه آنها واقعاً در باره تئوری‌ها هستند؟ بسیاری از آنها به نظر می‌رسد که در باره مفاهیم، موضوعات یا پرستکتیوهایی از رشته‌های دیگر هستند و چطور همه این تئوری‌ها مرتبط با بیشتر متاتئوری‌های بنیادین هستند؟ این کتاب، به صورت واضح وضعیت شدیداً تکه‌تکه (متلاشی) LIS را فاش کرده است.

در اوایل دهه ۱۹۹۰م، به نظر آمد که دو تا متاتئوری (یا پارادایم) بر مقالات (مباحث) رشته آی.اس.اس مسلط شدند: دیدگاه فیزیکی (سیستم‌مدار، نظام‌محور) از یک سو، و دیدگاه شناختی (کاربرمدار، کاربرمحور) از سوی دیگر.

دیدگاه سیستم‌مدار، وابسته به آزمون‌هایی از انواع مختلف زبان‌های نمایه‌سازی / ماشین‌های جست‌وجو و بخش تأثیرگذار نظام‌های بازیابی مدرک به وسیله مقیاس‌های معروف (خوب شناخته‌شده)، جامعیت و مانعیت است. از طرف دیگر، دیدگاه شناختی بر پایه این است که «بازیابی باید با یک مدل شناختی کاربر انجام شود.» مهم است که درک کنیم این گونه پارادایم‌های مختلف، وابستگی‌های رشته‌ای مختلفی هم دارند. این تقسیم کردن، فقط مفهومی و سازمانی نیست. نگاه‌های خیلی متفاوتی به فرآیندهای مشابه وجود دارد.

در طول دهه ۱۹۹۰ چارچوب‌های زیادی پدید آمده و در اواسط دهه اول قرن ۲۱م، بیس (۲۰۰۵) توانست ۱۳ متاتئوری مختلف را در LIS مشخص (تعین) کند که عبارت‌اند از:

دیدگاه تاریخی، ساخت‌گرا، تحلیل‌گفتمان، تحلیلی فلسفی، تئوری

انتقادی، قوم‌نگاری، شناختی اجتماعی، شناختی، دیدگاه کتاب‌سنجی، فیزیکی، مهندسی، طراحی کاربرمدار، ارزیابانه.

دید کلی بیس در باره متاتئوری‌ها در LIS احتمالاً امروزه بهترین گزینه در دسترس است؛ اما نیاز به تحقیق خیلی بیشتری در این مسئله وجود دارد؛ برای مثال، استیو فولیر در بخش متاتئوری آدم برفی در CoLIS در لندن ۲۰۱۰، این مسئله را مطرح کرد که آیا کتاب‌سنجی خودش یک رویکرد است یا اینکه دیدگاه‌های مختلفی در کتاب‌سنجی وجود دارد.

یورلند (۲۰۱۰)، دوگانگی بین دیدگاه سیستم‌مدار و دیدگاه کاربرمدار را مطرح کرده و بر این اساس، به ایده دوگانگی بین دیدگاه فیزیکی و شناختی هم معروف شده است.

بنابراین، به نظر می‌رسد که بیشتر تفاسیر جاری مختلف از دیدگاه‌ها در LIS قطعاً نیاز به تحقیق و بررسی در آینده دارند. توسعه و تحول کلی در رشته را شاید بتوان با حرکت از سوی تئوری اطلاعات به سمت تئوری نشانه‌شناسی که به جانب نمادها گرایش دارند، توصیف کرد. از زبان‌ها و معانی در یک پرستکتیو اجتماعی استدلال شده که تئوری انتقادی عمل‌گرا، تاریخ‌گرا، تجربه‌گرا و عقل‌گرا، از دیدگاه‌های پایه LIS هستند و اینکه نسخه‌هایی از تئوری انتقادی / مصححت‌گرا، مفیدترین تئوری جایگزین است. در نهایت، می‌توان گفت که LIS در باره تأمین منابع دانش برای کاربر و چگونگی مشخص کردن آنها، و در آخر، سؤالاتی از دانش‌شناسی است. ✓

#### پی‌نوشت‌ها:

1. Cultural issues.
2. single discipline.
3. Centripetal.
4. Centrifugal.
5. Tengstrom.
6. State.
7. Pluridisciplinarity or multidisciplinary.
8. Incurably cultural.
9. patchwork.
10. Melvil Dewey.
11. Martin Schrettinger.
12. Vakkari.
13. Graesel.
14. Pierce Butler.
15. Paul Otlet.
16. Institut International de Bibliographie.
17. Alan Pollard.
18. C. Bradford.
19. Trait'e [de Documentation 1934].
20. Information Technology (IT)/ Information and Communication Technology (ICT).
21. Buschmann.
22. Warner.
23. Finnemann.
24. Wersig.
25. Machlup and Mansfield.
26. information studies.
27. Garfield.
28. Informatics.
29. WordNet.
30. Wellisch.